

خوشنویسی سانسکریت (انرژی لغات)

هنر مقدس و سنتی آیین هندوئیسم

نویسنده: مریم فدایی

مقدمه:

هنر نگارش در برخی از اعتقادات دینی ملتها جایگاه ویژه ای دارد مانند اسلام که در محدوده هنر دینی برای تجسم بخشی به کلام الهی بکار رفت و به عنوان هنر مقدس پذیرفته شده است نگارنده در این مقاله سعی دارد تا با استفاده از عواملی که توانسته به هنر خوشنویسی اسلامی بار تقدس دهد مانند مباحث کلامی - حرف و عدد و قلم که در قرآن کریم به آن اشاره می شود تقدس خوشنویسی هندویی را مطرح و بررسی کند با توجه به اینکه موضوع کلام الهی مسئله اصلی هنر مقدس در چهار چوب هنر های دینی است و همه ادیان معتقدند خداوند جهان را با کلام خود آفرید و هر آنچه هست مظاهری از اوست پس شرایطی برای هنرمندان دینی فراهم آورد تا در تجسم یا تجلی این کلام ازلی از صورتهای متفاوت هنری مطابق با ماهیت دینی شان که به چه میزان توانسته اند به این مورد تحقق بخشند استفاده کنند.

چکیده:

یکی از ادیانی که هیچ گاه حرمت چندانی برای خط قائل نبود دین هندوئی است اما با این وجود به دلیل دقت در بازخوانی سرودهای ودایی که جزوی از این آیین است می بایست از این متون مراقبت می شد و چون این متون در انحصار برهمن ها قرار داشت و قدرت و منزلت آنها به این امر وابسته بود پس در نگهداری و نسخه برداری آن اجر والایی قایل بودند و ثواب آن را برای بانیان این امر در نظر داشتند. در این آیین برای خلق هر نوع اثر هنری آدابی قایل اند تا جاییکه در متون کهن آنها آمده « هنرمند پس از تزکیه آیینی راهی خلوت شود، عزلت گزیند و آداب هفت آیین را بجا آورد و چهار حال نامتناهی را تصدیق کند » (ذکر گو، ۱۳۸۵). « هنر دینی در آیین متون کهن هندو و آ.آ. کوماراسوامی » (۴) و به احتمال زیاد دست یازیدن و کتابت چنین متونی میبایست پس از کسب فضایل و گذراندن مراسم آیینی خاص انجام می گرفت زیرا همانطور که از معنای واژه ودا به معنی (دانش مقدس) بدست می آید آنها برای تمام متون مردم آریایی هند تقدس قایل اندو منشا آن را الهی میدانند. به عقیده اکثریت هندوان این کتاب مستقیم از برهمن صادر شده و بصورت کلمات نازل شده است و ریشی ها آن را بصورت وحی دریافت کردند. با این حال آیین هندو به دلیل قشر بندی حاکم بر جامعه اش بیشتر بر انتقال شفاهی احکام مذهبی متکی بوده است تا تعالیم از روش

۱ - در یکی از شیلیا شاسترا آمده است «شیلیان (صنعتگر) باید منابعی را که با آن ایزدان بر انگیخته می شوند یعنی (استراودا) و ۲۲ شیلیا شاسترا و اوارد ودایی را فهم کند و ریسمن مقدس و گردنبد مزین بر مهرهای مقدس را بیاویزد و حلقه از گیاه (کوشا) بر انگشت کند عبارت خداوند او را مسرور کند به همسرش وفادار بلسد از زنان غریب دوری کند و با پرهیز کاری به کسب معارف بپردازد چنین فردی مسلما هنرمندی واقعی است.» (ذکر گو، ۱۳۸۵). «هنر دینی در آیین...» (۴).
۲ - kharooshti خط آریایی از طریق افغانستان به هند رفت که در آنجا به آن خط آریایی می گفتند. این خط از کابل به هند انتقال یافت و سپس با تغییراتی بصورت خط خروشتی در آمد (همایون فرخ، ۱۳۸۴: ۵۷۸).

مکتوب اما بعدها با رواج دین بودا بود که نوعی دگرگونی بینشی پدیدار شد و اولین شواهد کاربرد نوشتار از همان منابع بودایی قرن ۵ ق.م سرچشمه می‌گیرد که نمونه خط (خروشتی)^۳ است برای ریشه یابی اعتقادی و مذهبی نگارش هندوها می‌بایست به متون مذهبی هندویی رجوع کرد که همگی به بحث کلام به عنوان مظاهری از جهات یا کنش‌های بودهی اعتقاد دارند تفکر هندویی در رابطه با هنر نگارش و ابزار آن به نوعی متفاوت از هنر اسلامی قداستی ذاتی قایل‌اند که در معانی واژگان آن در کتب مذهبی گنجانده شده است و برای هر کدام مفاهیمی نمادین منظور می‌کنند مانند لفظ (دیواناگری)^۴ که «خطی است هندیان با آن می‌نویسند و به معنی شهر خدایان یا خط خدایان است و اشاره به ریشه دینی این خط دارند و متون مقدس هندی در قالب این خط تدوین شدند و حتی زبان سانسکریت به خط دیواناگری^۵ کتابت می‌شود» (ذکر گو، ۱۳۷۳، «رد پای هنر ایران در فرهنگ هند»: ۱۶۶) همچنین در هنر نقاشی هندو که (پیتورا) نامیده میشود نقاشان را به نویسنده یا کاتب می‌شناسند زیرا به نظر آنان نقاشی همان نوشتن است و آنچه نقاشی می‌شود داستان آفرینش است. بنا به عقیده نقاشان پیتورا فعالیت نقاشی مستقیماً از جانب خداست و خداوند اولین هنرمندی است که داستان مصور آفرینش را (نوشته) است پس نقاشی (نوشتن) است و انسان از نوشتن خدا تقلید می‌کند و کاهن فقط اثر خدا را می‌خواند. در هنر هندو خدای (سرپرست صنعتگران)، جامع آگاهی‌ها و الهام‌کننده دانشهاست و همان معمار جهان هستی است که از طریق (نوشتار) دانش الهی را منتقل می‌کند «سر سوتی به عنوان الهه سخن (واک) است که در مهابهارات از آن نام برده شده و او را زن برهمن و مخترع خط و زبان سانسکریت و خط دیواناگری می‌دانند» (اوپانیشادها، ۱۳۸۱: ۵۲۸). در هنر هندویی که سرشار از رمز و اشاره است برای نوشتار نماد و نشانه‌هایی قایل‌اند که نشان‌دهنده تقدس ماورایی آن است تا جایی که هسته خط (نوشته خطی) است و در کتاب اوپانیشادها به آن اشاره شده است. در ریگ ودا کلمه برهمن دلالت بر نیروی خالق کلمه نموده و نام دیگر برهمن همان (کلمه) است و ودا به منزله امری سرمدی و کتب مقدس آن جلوه‌های زمینی آن کتاب مقدس است که شنیده می‌شوند.

در تفکر هندویی برای کتاب-طومار-قلم-حرف-ارزش ویژه‌ای قایل شدند و هر کدام را به نام خالق سازنده و یا نگهدارنده آن نسبت می‌دهند مثلاً خورشید را تصویر کیهانی کلمه می‌دانند حتی در پیکر سازی هندویی برهمن و ویشنو را در پنجمین تجسم خود در حالیکه کتابی از وداها را در دست دارد نشان می‌دهند و الهه هندویی ساراسواتی فرمانروای تکلم مقدس پنداشته میشود «ساراسواتی همسر برهمن و الهه سخنوری و دانش بود و از نشانه‌های برهمن تسبیح - کتاب و... است» (هال، ۱۳۸۳: ۳۳۶) ساراسواتی خدای نگهبان کلام و نوشتار و موسیقی و هنر هم است بنا به سنت هندویی رمز (کلمه) یا عقل اول در آیین هندو آذرخش است و در علم الاساطیر هندویی (مانو) شخصی است که اولین کتاب قانون را نوشت. او ریشه الهی دارد و با حضرت آدم (ع) قابل مقایسه است. کتاب مانو دستورالعمل‌های مذهبی و عبادی ودا را در بردارد و (یاما) فرمانروای مردگان دوری خود را بر الواح ثبت می‌کند. همچنین در اوپانیشادها آمده که همه چیز از سه حرف (اوم) ساخته شده است و آن کلمه همان (برهمن و اتمن) است یعنی اسم اعظم (اوم) می‌باشد. در کیش هندویی نخستین زبان توسط (مانو) که نمونه انسانیت و الگوی صورت مثالی (مانتراها) است بوجود آمد. او انسان ازلی بود که اشیا را درک کرد و ارتباط اشیا با بشر را توضیح داد. مانتراها (کلام) کالبد معنوی صورتهای مادی هستند و زبان اولیه با مانتراها پیوند دارد و گفتارهای زبان مقدس، انسان را به سوی عالم الهی می‌برد.

۳- نوشته‌های سانسکریت اشاره به اختراع خط در هند دارد و الفبای سانسکریت را دیواناگری خوانده‌اند اما این کلمه در سانسکریت معنای پارسی دارد و معنی آن خط دیو است و دیودر اساطیر هندو به معنای خدا است و این خط بنام خط خدا می‌باشد زبان سانسکریت هندو و ایران زرتشتی از یک نوع هستند و بنا به اساطیر ایران پیدایش خط در ایران را به دیوانی نسبت می‌دهند که در بند تهمورت بودند و این لفظ دیوا ز ایران به هند انتقال یافت.

۴- devanagari-

۵- hasta-

۶- کایاستها گروهی از برهمن‌های هندو هستند.

در تفکر هندویی (ساراسواتی - پاراواتی - لاکشمی) مظاهر نیروهای ۳ الوهیت (ویشنو - شیوا - برهما) هستند که ساراسواتی مظهری از صدای نخستین است و از صور آن کلام بدست می آید. در تطابق معانی ظاهری بین الهه ساراسواتی و نمونه آن در اسلام بهتر است به این گفتار توجه کرد که در تفکر اسلامی جبرئیل به عنوان مظهری از عقل کل نخستین زاده است و مظهری از وجه الهی است و حتی در متون مختلف به آن به عنوان سطح کلمه و خرد جهانی اشاره دارند، چیزی که در مفهوم عقل اول (خرد = لوگوس) با ایده حقیقت محمدیه ارتباط می یابد و روح اعظم - قلم - عقل کل - حقیقت محمدیه از آن فهمیده می شود و همگی از مرتبه احدیت بدست آمدند و همان عقل کل و لوگوس هستند. این الهه مطابق با عملکردش معادل عقل اول در اندیشه اسلامی است تا جایی که معادل اندیشه انسان کامل در اسلام و مظهر لوگوس می شود. در کتب مقدس تانترا برای شیوا آمده است که خدای شیوا صور جهان را با قلم صنع بر تن خود نقش کرده است. در بین برهمنان هندویی «کایاستها» کاتب قلمداد می شوند و حتی در اعیاد به نیایش قلم می پردازند. مقام و منزلت کایاستها که گروههای فرعی مختلف محلی دارند همواره مورد نزاع است. گروهی از آنان مدعی هستند که از برهمن ها هستند. آنها نسبت خود را به چیترا گوپتا^۷ کاتب یاما خدای مردگان می رسانند. گروهی هم خود را وابسته به کاست کشتریه می دانند و از سویی اغلب مقامات کایاستها را در طبقه (سودره) قرار می دهند. اما در هند شمالی بر این باورند که آنها در اصل برهمن بودند و بعدها در سازمان حکومتی مسلمین به عنوان کاتب پذیرفته شده و از مقام برهمن تنزل کردند «گاور، ۱۳۷۶: ۱۹۴» همچنین در فرهنگ هندو نسبت به حرف (آ) تقدس قایل اند و بنا به اعتقاد آنها «A/آ اولین حرف القبای سانسکریت است و ویشنو گفته: من آغاز میان و پایان همه آفریدگانم و از میان حروف A/آ هستم» (هال، ۱۳۸۳: ۳). حرف (آ) از سلسله حروف پنج گانه رمزی سانسکریت است و توسط بودایی ها در مراسم عبادی بر زبان آورده شده و با قدرت سحر آمیز خود خداوند را احضار می کنند. از حروف مقدس هندو حرف (آ) بارها در اوپانیشادها بیان شده و واژه (اچهر) یا (اکشار)^۸ به معنای «فساد ناپذیر و کلمه و کلام مقدس اوم و حرف و صدا و به معنای هستی مطلق و وجود اعلی و همچنین اسناد مکتوب می باشد» (وپانیشادها، ۱۳۸۱: ۵۰۲) همچنین حرف دوم از حروف مصمت القبای سانسکریت نام دیگر برهمن در آیین هندو (که) است در آیین هندو و در کتاب اوپانیشادها از لفظ (ماتریکا)^۹ به عنوان مادر تمام حروف و الفاظ نام می برند و (ناراین)^{۱۰} لقب ویشنو و کریشنا است و پسر انسان اولیه می باشد و نام حرف (الف) در آیین هندو است و (ورونا) به معنی کلمه - حرف و صدا می باشد همچنین از حرف (ی) به معنی تفکر مذهبی در کتاب اوپانیشادها اسم می برند. طبق آموزه های هندوییزم حروف سانسکریت از جانب برهمن از طریق نخستین آفریده زاده شده است و با جهان کائنات ارتباط رمزی دارند. از حروف خاص سانسکریت اسامی ملکوتی ساخته شده است و شامل مواردی است که بیشتر آنها با حرف A شروع می شوند.

ارزیابی:

شاید از خلاق ترین صور هنری که توانسته در تنوع بخشی کلام خداوند به زیباترین شکل ممکن عمل کند هنر هندویی است زیرا ارکان سازنده آن بر پایه پیکر الوهیت بنا شده و منشاء و غایت آن به (خدا - جهان - انسان) مربوط می شود و مبنای تمام فعالیت های هنرمندان آن در مسیر گذر از عالم صغیریت به عالم کبیر قرار دارد که منجر به اتحاد روح با خدا می شود. هنرهای

Chitrugupta- ۷

a-ksara - ۸

hka- ۹

matrika- ۱۰

Narayana- ۱۱

هندوبی تماماً الهی است زیرا تفکر آنها بر اساس روح الهی برهن شکل گرفته و همگی معتقدند هنر باید منجر به رستگاری و کمال انسان شود. باور به این اصل که فقط یک روح در متن هستی جریان دارد باعث گردید تا همه چیز برای آنان به منزله بخشی از وجود خدای برهن پنداشته شود و تمام کائنات مظاهری از حقیقت او باشند یعنی هر چه هست فقط (کلمه) و (نام اند) . در نتیجه همانطور که در مباحث هنر دینی هندو بیان شده است آداب هنری آنان به نحوی شکل گرفت تا به هنرمند یاری دهد تا بتواند با درک حقیقت وجودی خویشتن به راز الهی پی برده و به اتحاد روح فردی آتمن به روح جهانی برهن دست یابد و بدین وسیله به وحدت رسد تمام عنایت و منشاء هنر آنان برای دستیابی به این حقیقت است که فقط پس از رسیدن به رستگاری (موکشا) بدست می آید. موکشا حقیقت روحانی است و ساخت آثار هنری به منزله راهی برای نجات و رهایی انسان قلمداد می شود موکشا از اتحاد آتمن و برهن بدست می آید و برابر فلسفه (انسان کامل) اندیشه اسلامی است و نیل به آن پس از گذر از مراتب چهار گانه آیین ودانتا ممکن می شود. مبحث ودانتا بر اصل اتحاد آتمن و برهن استوار است و در بخشی از تعالیم آن به مباحث کلامی می پردازد: کلمه اوم این عالم است و همه چیز بر اساس کلمه مقدس اوم خلق می شود و همه چیز از برهن صادر شده زیرا او خالق هستی و همه عالم مظاهر اوست .

کلمه اوم کلمه اعظم الهی هندو است و درک آن میان عارفان به حالات اشراقی بستگی دارد. به عقیده آنان کلام چهار مرتبه دارد و ۳ مرتبه این کلام مخفی است و مردم عادی فقط مرتبه چهارم آن را درک می کنند. در هنر، کلام ازلی سر منشاء کلام انسان و زاینده حروف سانسکریت است و برای (حرف - کلام) هندوبی به خدایانی معتقدند و هر کدام را به یکی از اسماء برهن اعلی نسبت می دهند مثلاً: خدای واک : مادر وداها - واکید : خدای گفتار و کلمه - واک ایش : خدای گویایی است کلمه و کلام مقدس الهی از منزلت خاصی در تفکر هندوبی برخوردار است و بنا به اعتقاد آنها همه چیز از کلام (اوم) خلق گردید تا جایی که خلقت همه چیز را با (کلمه = نورالهی) یکی دانسته و ظهور کلمه به منزله روح کلی الهی برهن قلمداد می شود زیرا برهن با کلام خود عالم را خلق کرد و هر چه هست مظاهری از کلام نخستین است و حروف و کلمات هم می توانند صورت تجسم یافته همان کلام باشند که از صوت ازلی صادر شده و این صورت (واک) برای آنها اصل آسمانی دارد چون هستی با صوت ظهور یافت و همه پدیده های خلقت از عالم غیب ظاهر شده اند و برای ظهور تعیین پذیرفته و کلمات وجودی (لفظ و سخن و حرف) اشکال تغییر یافته و مادی همان صوت ازلی اند که تجسم می یابند و به اشکال حروف سانسکریت در آمدند. این تعیین پذیری فقط از طریق خدای برهن در حالت صفت پذیری اش انجام می گیرد زیرا برهن در این حالت (آتمن = روح) را می سازد که با روح جهانی (از دیگر وجوه برهن) یکی است و این روح در حروف سانسکریت بصورت نهفته جریان دارد. اسم اعظم اوم در شریعت اوپانیشادها ظاهر شده است و بنا به عقیده متفکران هر آنچه هست به واسطه کلمه اعظم اوم است کلمه ای که روح برهن و روح آتمن است و به آن اوم، نفس الرحمان اسلامی گویند و معادل لفظ (کن = باش) می باشد. هندوها این نفس رحمانی را به الهه ساراسواتی (منشاء تمام کلمات و اصوات) نسبت دادند و تمام ترکیبات لفظ را از او می دانند اسم اعظم اوم به ذات ازلی برهن اشاره داشته و برابر با اسم ذات (ا...) اسلامی است و حرف (آ) در ترتیب حروف الفبای سانسکریت نشان دهنده حضور برهن در همه جا و در همه حروف و اصوات و اشکال است و حرف (و) نشان دهنده (بزرگی) و حرف (م) به معنی محو کننده است و هر سه حرف اوم به صفات ۳ گانه برهن در وجود تثلیث خدایان هندو اشاره می کند و وظایف (امهات اسماء ی اسلامی) را به عهده دارد الهه ساراسواتی در اندیشه هندو با زبان و نگارش ارتباط دارد و ایزد بانوی (کلام و عقل) محسوب می شود در رابطه با چگونگی تکوین حروف سانسکریت با منشاء صدای ازلی ، برهن دخالت مستقیم دارد تا جایی که کلمه (اهانکارا) به معنی (من خالق سانسکریت هستم) یکی از اسامی برهن می باشد، که در ساختار حروف سانسکریت نقش اصلی را بازی می کند و

به لفظ (خود) یا (نفس) اشاره دارد همچنین (آکشارا) نام دیگر برهمن و مؤلفه اولین حرف الفبای سانسکریت (آ) می باشد و مشخصه برهمن است این کلمه به خدای (واک) ایزد نگهبان و الهه گفتار و کلام هندوی سخن و صدا دلالت می کند. حروف سانسکریت با توجه به معانی (اهانکارا) = اسم برهمن، حاوی نیرو و انرژی خاصی است و خوشنویسان هندویی به هنر نگارشی خود (انرژی لغات = خوشنویسی سانسکریت) می گویند. همچنین حروف سانسکریت به معانی (خود) و (خویشتن - نفس) اشاره داشته و اکثر ترکیبات لفظی حروف آنها به نام (برهمن) اشاره می کند و با انرژی موجود در هستی ارتباط مستقیم دارد بویژه اینکه صورت کلمات سانسکریت (شکل حروف) به الهه پراکریتی نام (دیگر برهمن) نسبت داده می شود که ماده اصل هر چیز در جهان مادی است و طبیعت را می سازد و به منزله الهه‌ایی نماینده الوهیت بوده و در اندیشه هندویی به آن (آنانتا پراکریتی) یعنی آنکه آغاز بنیاد آفرینش کرد می گویند. این الهه خدای صورت کلمات هندویی است و صورت حروف سانسکریت را بوجود آورد. از آنجا که در اندیشه هندویی ارتباط معنوی بین خدا و انسان برقرار است و این ارتباط با انرژی ساطع شده کلام الهی برقرار می شود و تعینات فقط از نور واحدی انجام می گیرد و نور غیبی است که بصورت متفاوت خود را متجلی ساخته و در زبان سانسکریت به آن نور غیب یا آنانتا پراکریتی گفته اند. برای کاتبان هندو اشکال حروف سانسکریت ازلی است زیرا از کلمه الهی بدست می آیند و در اولین مرحله آفرینش توسط نور الهی خلق شده اند و در کار نگارش این انرژی حیات آزاد می شود. به این علت تمام فعالیت های هنر آنان با اورادی همراه است و این اوراد انرژی واحدی دارند که در همه جا جاری است و از ماترای مقدس اوم صادر می شود. در توضیح این مطالب نگارنده معتقد است چون اوم خود برهمن است و برهمن خالق انرژی جهان به منزله روح هستی به همه چیز حیات می بخشد در قالب روح آتمن به وجود انسان زندگی و انرژی می دهد و انسان برای رسیدن به روح جهانی می بایست، ابتدا حقیقت وجودی خود را نسبت به این روح بیدار کرده تا به مرکز جهانی بپیوندد و در صدد یکی شدن با انسان کبیر و برهمن بر آید. شاید از دلایلی که برای کاتبان هندو حروف سانسکریت را مملو از انرژی و روح سیال می دانند به این موضوع باز می گردد که این روح را همان روح پروشا (وجوهی از برهمن) می دانند که در قالب ماده (پراکریتی) به حروف سانسکریت تجسم می بخشد. پراکریتی حاوی انرژی کیهانی است و با یکی از ۳ کیفیت خود (قوت و انرژی) به تمام پدیده های عالم صورت و موجودیت می دهد و باعث تکثیر و تنوع پذیری می شود. به نظر نگارنده (ماده - روح) = (پراکریتی و پروشا) برابر با (لوح و قلم) اسلامی است و منشاء هر دو نور الهی است، زیرا پراکریتی و پروشا از وجه (برهمن ساگانا = نور الهی یا کلمه) صادر می شود که در ساختار بصری و ماهیت ازلی حروف سانسکریت دخالت دارند و شاید یکی از دلایلی که هندوها در برخی از اعیاد خود قلم را نیایش می کنند به این باور می رسد که معتقدند روح پروشا در این قلم حضور دارد تا جایی که برخی از کاتبان هندو در دسته کایاستها خود را کاتب یاما می پندارند که سرنوشت و اعمال انسانها را بر لوح محفوظ می نگارد. کلام اوم اصلش ازلی است و با اولین مرتبه احدیت اسلامی برابر است و مطابق با اندیشه متفکران هندویی در باب فلسفه اصالت صوت، برهمن را منشاء صوت اولیه دانسته اند که در این مرحله برهمن کاملاً بی صوت و سراسر خاموشی است زیرا برهمن در این مقام در ذاتش پنهان است و اسم آن (اوم) - ا... اسلامی است. برهمن در مرتبه واحدیت، برهمن سفلی می شود و سپس اولین صوت از او صادر می گردد در این مرتبه برهمن، صفات خود را تجلی می دهد و از تجلی او، کلام آغازین بوجود می آید که به دلیل (توهم کیهانی = مایا) صورت این کلام تغییر یافته تا با زبان بشری نازل شود در حالیکه اصلش نزد برهمن اعلی محفوظ است. هندوها مبداء تمام کلمات را به الهه پاراواک وجوهی از برهمن اعلی نسبت می دهد که در اثر شرایط توهمی مظاهر گوناگون به خود گرفته و منعکس می شود این کلام نخستین بالقوه وجود داشته و توسط انسانها بالفعل می شوند. طبق تعالیم ودایی صوت از (پاراواک = کلام اعلی برهمن) صادر شده و در مرتبه کلام بینا جوانه می زند و سپس در مرتبه کلام میانی صوت از کلام جدا شده و حروف سانسکریت خلق

می شوند. جوهره اصلی کلام انسانی همان کلام پاراواک است. تمام اندیشمندان هندویی خلقت و آفرینش هستی را بر مبنای (نیروی خالق کلمه = برهمن) قرار دادند و برهمن نیروی آفریننده (کلمه) پنداشته می شود کلمه‌ای که وجوهی از برهمن ساگانا بوده و این کلام همان اوم است. برهمن هزاران نام دارد و یکی از نام‌های او (کلمه) است. اوم نماینده حالات سه گانه برهمن در قالب خدایان (ویشنو - شیوا - برهما) است و به تمام هستی نور و انرژی می بخشد. اوم برابر با ... اسلامی و معادل لوگوس است و معتقدند تناظر هستی با برهمن آغاز می شود زیرا اصل تجلی و ظهور اسماء برهمن با تن پروشا به عنوان (انسان کامل) یا وجهی از خود برهمن آغاز گردید زیرا در آغاز جهان دواها تن پروشا را قربانی کردند تا از بخشهای آن کائنات را بسازند. در نتیجه بگفته یور کههارت دواها می توانند برابر با لوگوس - عقل الهی یا فعل خدا محسوب شوند (پروشا یا پراجاپاتی) از دیگر وجوه برهمن ساگانا اولین مخلوق و صورت تمام موجودات قلمداد می شود و حتی در ریگودا به آن (روح) - (انسان) می گویند. طبق اندیشه هندویی برهمن با کلام خود که به منزله نوری است، روح یا پروشا را آفرید و از تن پروشا، اسماء و صفات خود را تجلی داد این روح یا پروشا می تواند معادل عقل اول - لوگوس - انسان کامل - قلم الهی و همان روح اعظم باشد. به نظر نگارنده همانطور که پروشا به منزله روح هستی را در اتحاد خود با پراکرتی به مثابه ماده در موجودات به دو وجه مذکر و مؤنث فعالیت می کند، پس پروشا می تواند جلوه متجلی حق و معادل انسان کامل باشد. کار خوشنویس هندو در عمل نگارش به مفهوم (نگارش خداوند) بر لوح می رسد که عقیده دارند خداوند اولین هنرمند و کاتب است که داستان آفرینش را نوشته و خدای سرپرست صنعتگران با (نوشتار) دانش خود را منتقل می کند و به این لحاظ هنرمند باید این عمل خدایی را تکرار کند تا پس از وقوف به شأن الهی خود به خویشتن خویش رسیده و در مقام ارتباط دهی آسمان به زمین بر آید، یعنی هنر ازلی را در مرتبه نقش تصویر کرده و سپس در مقام (خط) آن را بنگارد. به این علت هنر هندویی همان نوشتن معانی آسمان بر لوح زمین قلمداد شده است این نوشتن از همان (قلم کیهانی) بدست می آید که از آن (عقل بزرگ) ناشی شده است. عقل بزرگی که از اتحاد (پروشا - پراکرتی) - (ماده و روح) بدست آمده است و می تواند معادل عقل کل باشد. این قلم بر لوح زمین روح پروشا را به جریان در آورد تا بدینوسیله انرژی نهفته حروف را که اصلش در صوت برهمن (اوم) نهفته است آزاد کند و این بدست نمی آید جز با سیر و سلوک عارفانه هنرمند کاتب و وقوف به قدرت ماورایی حروف سانسکریت، تا به کاتب یاری کند پس از گذراندن مراتب ودانتا موفق شود تا به حقیقت وجودی خود در اتحاد برهمن نایل گردد. در این میان ذکر و مراقبه در آیین یوگا از بهترین شرایط برای رسیدن به این مرحله است تا جایی که در متون تعلیماتی هندویی به آن اشاره کردند که هنرمند باید پس از تزکیه راهی خلوت شود (ذکر و مراقبه) و آداب هفت آیین را بجا آورد و چهار حال نامتناهی را طی کند (این ۴ حال برابر با ۴ مرحله آیین ودانتا است). شاید از دلایل اصلی اینکه ذکر و مراقبه در آیین هندو جزو شرایط اصلی برای رسیدن به آن نقطه ازلی قلمداد می شود این است که تکرار کلمه مقدس اوم به ذاکر یاری می دهد تا با آزاد کردن انرژی های نهفته حروف و کلمات بدین وسیله به خویشتن شناسی رسیده و راز حقیقت کلام را دریابد. الفبای هندویی بر پایه (مانترام - کلام) مقدس ساخته شده است و کلمه اوم با روح سیال پروشا به اشکال بصری حروف سانسکریت نیرو و حیات می بخشد و برهمن، روح حروف سانسکریت است و تفاوتی اگر میان یانترا یا اشکال بصری و هندسی آن و خدا وجود دارد مانند تفاوت بدن مادی و روح معنوی است و الفبای سانسکریت مانند (آوای) زبان مقدس با قوای الهی که کیهان و هستی را انرژی می بخشد ارتباط دارد. این تفکر یادآور اندیشه پردازی متفکران حروفیه و... علم الحروف عیسوی و قبایل یهودی است. هندوها با نمادپردازی الفبای خود به مطالعه ساختارهای عالم هستی پرداختند و برای آنها کلمات در قالب (لغات نوشتاری) کالبد معنوی دارند، زیرا زبان اولیه با (کلام = مانترا) مربوط است و معنای باطنی این لغات انسان را به عالم الهی سوق داده و به مرکز وجودی خود می رساند مانند بسیاری از واژگان هندویی که القاب خدایان هندو هستند و با حرف (آ)

شروع می شوند مانند (آکشارا) به معنی فساد ناپذیر که به کلمه مقدس اوم اشاره می کند و به معنای هستی مطلق است و اسناد مکتوب را هم با آن لفظ می خوانند. همچنین حرف دوم الفبای سانسکریت (که) از اسامی برهمن است و به الهه ماتریکا مادر تمام حروف سانسکریت تعلق دارد. کاتبان مذهبی هندو حرف (آ) را مقدس پنداشته و به آن ناراین می گویند که لقب ویشنو و کریشنا است و نام خدای وارونا به معنی (کلمه - حروف - صدا) است تمام حکمت حقیقی هندو برای رسیدن به این روح جهانی تدوین شده اند و این روح همان روح پروشا است و حقیقت کل آیین آنها را می سازد. این روح کلی به منزله (کلام خدا) در قالب پراکرتی، صورت عالم را ساخت و یکی از این صور، اشکال حروف سانسکریت است، حروفی که اصلش ازلی است و در ساختار بیانی خود به اشکال کلمات تجسم می یابد کلمات سانسکریت هزاران تفسیر دارد و به نوعی زبان ذهنی و عاطفی و شاعرانه است زیرا هر واژه آن معانی مختلف دارد و گفته هندو سرشار از انرژی و روح حیات است تا جایی که در مکتب (می مامسا) به بحث پیرامون الفاظ سانسکریت پرداخته و سعی می کند تا در پس عبارات به مفهوم اصلی لغات پی برده و ارتباط میان لفظ و معنا را روشن کند و این ارتباط و پیوستگی حروف سانسکریت به معنای باطنی کلمه (اوم) می رسد. حروف سانسکریت ابزاری برای اتصال و ارتباط معنوی انسان با معانی نهفته اصوات ازلی اند و ریشه آن در کلمه مقدس اوم قرار دارد و ۳ حرف اوم در اندیشه هندویی نماینده ۳ خدای تثلیث آنهاست که برای درک این سه حرف از ذکر و خلسه سود جسته و هنرمند هندو در سیر و سلوک معنوی خود ناشی از آیین ودانتا و یوگا سعی دارد تا به راز وحدت برسد و به اتحاد با برهمن نایل آید. به این دلیل کاتبان و هنرمندان هندو هر کدام از حروف اوم را با اشکال بصری سانسکریت (ا - و - م) به یکی از مراتب ۴ گانه تزکیه فردی تشبیه کرده اند که در آن حرف (آ) نماینده حالت ذهن در هوشیاری - (و) نماینده خواب و رویا - (م) نماینده خواب بدون رویاست و کل حروف نماینده مرتبه چهارم یعنی مرحله حقیقت مطلق است چیزی که توسط آن هنرهای سنتی شرق به ظهور می رسند. به نظر نگارنده خوشنویس هندو در امر نگارش سانسکریت باید از مرحله هوش گذر کرده به مرحله بیداری رسیده و سپس در قلمرو معنوی قرار گیرد و بعد در مرتبه خود آشنایی به اتحاد برهمن و اتمن ناقل شود تا سر انجام در مرتبه چهارم حقیقت حروف و معنای باطنی آشکار شود و این بدست نمی آید جز اینکه با چشم سوم و بصیرت معنوی به عین القلب رسیده و در نهایت به مرتبه انسان ازلی برسد. انسان کامل یا ازلی هندویی تجلی ویشنو است که با (کلمه الهی) یکی است و در عالم واحدیت حکم محور عالم را دارد. این انسان همان عالم کبیر هندویی است و به منزله بدن جسمانی خدا یا تجلی صورت خدا در اندیشه اسلامی محسوب می شود و کار کاتب به عنوان بخشی از کار هنری بر این است تا در پس معنای باطنی حروف کلمه (اوم) از عالم بیداری خارج شده و در عالم بی مقامی اتمن به مرتبه لاهوت رسیده و کثرت را به وحدت برساند. این کثرت بخشی از همان اجزاء پراکنده بدن پروشا است و هنرمند هندویی با کار هنری خود آن را به وحدت می رساند و این روح همان روح برهمن = نور الهی است و به منزله کلمه نخستین اسلامی = ا... و اسم اعظم (اوم) می باشد و هندوها آن را به الهه ساراسواتی الهه سخن و گفتار هندویی منتسب کرده اند. همانطور که قبلا بیان شد این الهه معادل عقل کل - قلم الهی در شریعت اسلام است زیرا خداوند در مقام واحدیت با اسم اعظم ا... ، روح و قلم را آفرید و با آن بر لوح آسمان عوالم متعدد - الوهیت - جبروت - مثال -- ناسوت را آفرید عوالمی که با سه حرف اوم مطابقت دارد به شکلی که عالم بیداری آن با حرف (آ) به عالم ناسوت اسلامی - عالم رویا و مثال آن با حرف (و) - عالم خواب عمیق با حرف (م) به عالم جبروت - عالم بی مقامی اتمن که انسان در آن مرحله به آگاهی مطلق می رسد و با نفس خود یکی می شود و مطابق با عالم لاهوت اسلامی است و سرانجام کل عوالم با کلمه (اوم) پیوستگی می یابد. خوشنویسی هندویی با آگاهی به فلسفه وجودی حروف سانسکریت و فهم منشاء ازلی آن کار نگارش را هم به منزله عمل خدایی پنداشته و سعی دارد تا روح پنهان پروشا در قالب ماده (پراکرتی) را به تحرک وا دارد و با انرژی ساطع شده آن نور و حیات گیرد.

کاتب خوشنویس با نگارش متون مقدس، حروف سانسکریت را که به منزله بخشی از اعضای پراکنده بدن پروشا است به وحدت می‌رساند و عقیده دارد این فعالیت هنری مانند تمام فعالیت‌های دیگر باعث رشد فکری و تزکیه روح شده و به او یاری می‌دهد تا به منشاء و غایت هنر هندوی نایل و به موکشا دست یابد.

♦ نگارنده: مریم فدایی / بهار سال ۱۳۸۸ / مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان خوشنویسی هنر مقدس از منظر ادیان

منابع و مراجع:

- ۱- هال، جیمز، (۱۳۸۳)، «فرهنگ نگاره ایی نمادها در هنر شرق و غرب»، رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران.
- ۲- همایون فرخ، رکن الدین، (۱۳۸۴)، «سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان»، نشر اساطیر، تهران.
- ۳-، (۱۳۸۱)، «اوپانیشاد (سر اکبر) ترجمه دارا شکوه فرزند شاه جهان»، محمدرضا جلالی نائینی، جلد ۱ و ۲، چاپ ۴، نشر علمی، تهران.
- ۴- ذکریگو، امیر حسین، (۱۳۸۵)، «مقاله: هنر دینی در آیین متون کهن هندو، آ.آ. کوماراسوامی»، فصلنامه خیال، شماره ۲۰، فرهنگستان هنر، تهران.
- ۵- ذکریگو، امیر حسین، (۱۳۷۳)، «مقاله: رد پای هنر ایران در فرهنگ هند»، نامه فرهنگ، شماره ۱۴ و ۱۵، نشر؟، تهران.
- ۶- گاور، آلبرتین، (۱۳۶۷)، «تاریخ خط»، کورش صفوی، نشر مرکز، تهران.